

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

همراه با تشدید ترور و اختناق بمنظور سرکوب هرگونه مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه، فشار بر مبارزاتی که در زندانها در اسارت رژیم دیکتاتوری شاه بسر میبرند نیز افزایش می یابد. بنابراین فشار زندانیان سیاسی زن را هم در بر گرفته است. زنان و دختران مبارزی که به اسارت دژخیمان ساواک و شهرداری در آمده اند، نه فقط در بدترین شرایط بسر میبرند، بلکه هر روز با ناهنجاریها و آزارهای تازه ای

فشار بر زندانیان سیاسی افزایش می یابد مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی را تشدید کنیم

باین وحشیگریها و اعمال غیرقانونی باسکوت بی اعتنالی دژخیمان روبرو شده است. علاوه بر این زندانیان شاه از اجتماع زنان و دختران زندانی شدت جلوگیری میکنند. هرگونه بحث و حتی گفتگوی ساده بیست چند نفر ممنوع است و کسانیکه این مقررات ظالمانه را زیر پا بگذارند، با تنبیه بدنی و زندان افسردگی مجازات میشوند.

هدف رژیم از ایجاد شرایط توافقسا برای زندانیان سیاسی و تشدید فشار بر آنها روشن است. رژیم میخواهد قدرت مقاومت مبارزاتی را که به اسارت درآورده، در هم شکند، و اگر موفق نشد آنها را بتدریج نابود سازد.

زندانیان سیاسی تاکنون توانسته اند با تحمل دنباله در صفحه ۲

از جانب زندانیان شاه روبرو میشوند. از جمله در حدود پنج ماه پیش دژخیمان رژیم به زندان سیاسی زنان قصر - که در حدود ۱۲ زندانی سیاسی زن در آن نگهداری میشوند هجوم بردند و زندانیان را با باتون و مشت و لگد کتک جانانه ای زدند. این وحشیگری یکماه بعد با دغلاکاری و زیلانتهای تکمیل شد. به این ترتیب که به زندانیان سیاسی زن اطلاع دادند که کلیه تشریفات و کتبی که در اختیار آنهاست باید باریکتر از طرف مأمورین ویژه زندان کنترل شود. بنابراین این اخطار کلیه کتب و مجلات و روزنامه های که در زندان بود، و یارها از صافی سانسور چنان زندان گذشته بود، جمع آوری شد. حتی کتب درسی، از جمله کتب آموزش زبان انگلیسی و دستور زبان نیز از زندانیان گرفته شد. در خواستها و اعتراضهای مکرر زنان و دختران زندانی

روز یاد مبارزه حزب توده ایران

اه وحدت عمل همه نیرو های ضد رژیم برای سرنگون ساختن دیکتاتوری (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

اسبب سی و پنجمین سالگذشت تأسیس حزب توده ایران

ژاندارم امپریالیسم با نظامیگری افسارگسیخته و سیاست تجاوز کارانه امتیث، کشور ما و صلح منطقه را بخاطر انداخته و با همدستی امپریالیستهای رنگارنگ تروتهای ملی ایران رادستخوش چپاولی بی سابقه ساخته، بیداری روز افزون مردم ایران و پیروژه تشکیل و فعالیت سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر، تغییر مستمر تناسب نیروها در عرصه جهانی بسود صلح ودمکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه بلا انقطاع حزب ما برای متشکل کردن و متحد ساختن نیرو های ضد رژیم، همه و همه روز رهایی از وضع نکبت پارکونی را نزدیکتر و نزدیکتر میکنند. هیچ نیرویی در جهان قادر نیست رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک کنونی را علی رغم اراده مردم ایران از سیر بجانب زوال حفظ نماید.

در مهر ماه سال جاری سی و پنجم سال از تأسیس یه ایران میگردد. حزب توده ایران ادامه ای سازمانهای سوسیال دمکرات انقلابی و حزب ت ایران است و متمایب حزب طبقه کارگر ایران درفش جهان بینی علمی و انقلابی این طبقه، سم - لنینیسم را سرفراز نگاهداشته و در مواضع اجتماعی این طبقه استوار ایستاده است. حزب ران همواره از منافع دور و نزدیک طبقه کارگر زحمتمشان ایران پی گیرانه دفاع کرده، ایسم بخاطر استقلال ملی مبارزه نموده، باارتجاع دمکراسی سیاسی و اقتصادی رزمیده و جنایتها و غارتگریهای این نیروهای دشمن میهن ما را شخص ودر مراحل مختلف افشاء کرده، از حقوق سرزمین ایران، از حقوق دهقانان، زنان و جوانان ن، پیشه وران و دیگر قشر های دمکراتیک مپریالیستی با تمام نیرو مدافعه کرده، و در مغانی از دیدگاه صلح و ترقی و انترناسیونالیسم، علیه سیاست جنگ و ارتجاع و تنگ نظری بضم گرفته است. واز کشور های سوسیالیستی یا انقلابی کارگری، جنبش های رهایی بخش ملی یا نان پشتیبانی نموده است. حزب توده ایران اندیشه های رهاگر و گرهگشای مارکسیسم - است و با انصراف چپ، و راست از این ما، پیوسته مقابله کرده و بر اساس این جهان راه تنظیم مشی استراتژیک و تاکتیکی حزب رگر ایران، بزرگترین و پر ثمرترین مساعیرا اده است. حزب توده ایران منشأ خدمات عظیم لزحمتمشان ایران، در تحول افکار عمومی، در باره مردم برای تحول بنیادی جامعه و کوفتن و هموار جاده مبارزات و پیروزیهای آینده است. هرگز خ کشور ما سازمانی با چنین ابعاد معنوی و مادی چود نداشته است. این حزب که کما کان بزرگ زمان اپوزیسیون انقلابی و سازمان پیشاهنگ طبقات مترقی و خلقهای کشور ماست.

حزب ما در شرایط کنونی، سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری را شرط مقدم هرگونه حرکتی بجلو میداند. اقرار اساسی نبل به این هدف مبرم، عبارت است از تأمین وحدت عمل کلیه نیرو های ضد دیکتاتوری، ام از تعلق بهر عقیده ای و سازمانی. سخن از وحدت عمل در میان است نه اتحاد سازمانی. تنها وحدت عمل نیروها و مشی سنجیده و عاقلانه آنها برای نبرد با دیو استبداد و نیروی دوزخی ساواک خواهد توانست بزرگوارتاریک کنونی میهن ما رهاگر زودتر خاتمه ببخشد. آنهایکه انرژی های انقلابی را در ماجراها و حادثه جویهای بی سر انجام بهنذر میکنند، بهدنی که در برابر خود نهاده اند سوشی نمیرسانند، آنهایکه سنگ تفرقه در میان نیرو های ضد رژیم می افکنند، خواه بخواهند یا نه، با عمل خود بطور عینی به رژیم خدمت می کنند.

حزب ما با سر سختی مشی وحدت عمل نیروها در راه سرنگونی رژیم محمد رضا شاه را، دنبال خواهد کرد و مطمئن است که مردم ایران بدرستی روش حزب ما معتقدند و آنرا مورد پشتیبانی همه جانبه قرار داده و خواهند داد و مثنی تفرقه افکن حادثه جو در صورت لجاج در روش خود، در جنبش و جامعه بیش از پیش دچار افتراق و شکست خواهند شد.

در این روز سی و پنجم سالگی حزب توده ایران، ما بهمه رفقای حزبی پیروژه بررقای عزیز زندانی درود آتشین میفرستیم. ما در قبال خاطره شهیدان حزب و نهضت سر تعظیم فرود می آوریم. ما سوگند خود را در وفا داری برای طبقه کارگر تجدید میکنیم و با اعتماد انقلابی براه مقدس خود تا پیروزی نهائی ادامه خواهیم داد.

فرخنده یاد سی و پنجمین سالگرد حزب توده ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران شهریور ۱۳۵۵

شاد باش به رفیق لوئیس کوروالان

دیر کل حزب کمونیست شیلی بمناسبت شصت سالگی



رفیق عزیز کوروالان! کمیته مرکزی حزب توده ایران بصمیمیت فراوان شاد باش میگوید. یادداری دلیرانه شما در زندان فلشیم احترام و محبت عمیق خلقها را متوجه شما ساخته و شمارا به مظهر ایستادگی رزمیویانه درقبال دشمنان دمکراسی و ترقی اجتماعی مبدل کرده است.

مردم کشور ما که دهها سال است در شرایطی دشوار با رژیم استبدادی و فاشیستی سلطنتی در نبردند، به ارزش بزرگ و تأثیر تاریخی مبارزه آن دوست و رفیق بسیار عزیز نیک واقفند.

ما اطمینان داریم که مردم شیلی به آرمان شما رفیق عزیز و همزرم قراموش نشدنی شما رئیس جمهور شهید آینده سر انجام جامه عمل خواهند پوشید و نه فقط همه زندانیان و مهاجران سیاسی شیلی روی آزادی خواهند دید، بلکه خلق رها شده کشور شما خواهد توانست زندگی نو و عادلانه ای را بر پای سازد و رژیم تنگین پیروخت را در لجن زار تاریخ مدفون نماید.

شما را بگری در آغوش میکشیم و دروهای آتشین رزم خود را به شما و همه زندانیان سیاسی شیلی از جانب حزب خود، زندانیان سیاسی ایران و همه خلقهای کشور مان عرضه میداریم. کمیته مرکزی حزب توده ایران

تسلیم به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائوتسه دون را صمیمانه بان رفقا تسلیم میگوید.

خواهشمندیم تسلیم ما را به خانواده و نزدیکان آن تقید ابلاغ نمائید.

حزب توده ایران و حزب کمونیست چین در یک دوران مین بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بایکدیگر روابط و همکاری صمیمانه و موفقیت آمیز داشتند. متأسفانه این روابط بر اثر بروز یک سلسله اختلافات اصولی قطع شد که حزب ما در این زمینه برای خود مسؤلیتی قائل نیست و امیدوار است وضعی بوجود آید که این روابط بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بحالت عادی خویش در آید. با بهترین احترام کمیته مرکزی حزب توده ایران

کارگران نه مجذوب میشوند

نه مرعوب بدنبال اعتصاب موفق کارگران نفت آبادان، مأموران ساواک نیمه شب ۲۵ خرداد، پس از یورش به خانه های ۱۶ نفر از کارگران، آنانرا چشم بسته به محل نا معلومی بردند. خانواده های این کارگران نه فقط نان آور خود را از دست داده اند، بلکه تا کنون از سرنوشت سر پرستان خویش بی خبرند.

و این حادثه تقریباً یک ماه پس از باصطلاح « سومین کنگره کارگران »، یکی دیگر از خیمه شب بازیهای شاهانه رخ داد. شاه در این کنگره مدعی بود که: « امروزه کارگر ایرانی جدا از دولت و یا احتمالاً نیرویی در صف مقابل آن نیست، زیرا در اجتماع امروزی ایران که بر اساس انقلاب شاه و مردم پی ریزی شده و تناقضات اجتماعی در آن حل شده است، دولت خود پشتیبان سندیکاها و منافع خفه آنها است، در عین حال منافع خفه کارگرو کارفرما بهم پیوسته است.»

دنباله در صفحه ۲

فرار سرمایه و ثروت از ایران

مجله اکونومیست چاپ لندن در شماره ماه ارد مقاله ای تفصیلی بقیام، دیوید هائوس گو، اوضاع ایران منتشر کرده که ما در یک نکته از آنرا مورد برسی قرار میدهم.

ه ضمن بیان آشتیگی وضع اقتصادی ایران، د که در سال ۱۹۷۵ بیش از دو میلیارد دلار از بخارج فرار کرده است. گرچه این رقم بخودی بزرگی است ولی بیانگر بخشی از واقعیت است. روهایی کوناگونی با انگیزه های متفاوت و علل

دشمنان و مخالفان رنگارنگ حزب ما کوهی ی سیاه کردن سیمای تابناک حزب مصرف اند و هم اکنون با شدتی روز افزون و بی سابقه میکنند ولی غورشنید را بگل نمیتوان اندود. های تاریخی سر سختند و علی رغم هر منکر، نود را خواه نا خواه نشان میدهند.

حزب ما اکنون نیز، مانند همیشه در شرایط به پیروزی راه و آرمان خویش با اعتماد کامل تگریسته و میگردد. افتراق روز افزون راه ارتجاعی و استبدادی محمد رضا شاه که بعنوان

چور و اجور پولها را از ایران بیرون میبرند و بسیاری از آنها خود نیز راه دیار فرنگی یا امریکا را در پیش میکنند. این گروهها را بطور کلی میتوان بشرح زیرین دسته بندی کرد:

اول - سرمایه دارانی که بدلائل مختلف از جمله بی اعتمادی به ثبات رژیم، ناتوانی در رقابت با سرمایه دارانی که نفوذ انحصاری خود را در دستگاههای اقتصادی و مالی بر قرار کرده و شاهرگهای اقتصادی را در دست

دنباله در صفحه ۲

جنون تسلیحاتی رژیم تبه کار محمدرضا شاه

مسئله خرید و سفارشهای تسلیحاتی رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری ایران از مسائلی است که نظر مطبوعات و محافل گوناگون جهان را بیش از پیش بخود جلب میکند. انگیزه چنین توجیه روشن است. سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی که ایران در پیش گرفته است در جهت عکس روند و خامت زدائی و بازگشت نا پذیر کردن سیاست جنگ سرد و تکمیل تحقق بخشیدن به تنش زدائی سیاسی از راه تنش زدائی نظامی است. این احکام و نظریات در سندهائی کنفرانس سران کشورهای اروپائی در هاسینکی و در کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری قاره اروپا در برلین و کنفرانس کشورهای غیر متعهد (که با شرکت ۸۵ کشور آسیا و افریقا و امریکای لاتین در کلمبو برگزار گردید) مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است.

بدین ترتیب همه کشورهای اروپائی و اکثریت کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین سیاست جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی را محکوم کرده از سیاست و خامت زدائی و پیروی از اصول همزیستی سلامت آمیز در روابط بین دول پیشینانی میکنند. ولی رژیم ایران با چنان مقیاسهای عظیمی مدرنترین جنگ افزارهای نیروی زمینی و هوائی و دریائی خریداری میکند که با مقتضیات دفاعی کشور و با پتیه اقتصادی آن ایداً تناسبی ندارد. ایران در معرض تهدید یا خطر تجاوزی قرار ندارد که بوی حق دهد که بچین تدارکات جنون آمیزی دست زند. حتی در کمسیون فرعی سنای امریکا که خود عمده ترین فروشنده تسلیحات به ایران است به این مطلب اصرار شده است که میزان خرید تسلیحات ایران طی ۳ - ۴ سال اخیر از هر اندازه و مقیاسی فراتر رفته است. در سال ۱۹۷۴ ایران ب مبلغ ۸ میلیارد دلار از ایالات متحده امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی اسلحه خریداری کرده یعنی مبلغی بیش از مجموعه هزینه های نظامی ایران طی سالهای ۱۹۷۳ - ۱۹۶۰. در دلایحه بودجه دولتی سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۷۷ ایران مبلغ ۹ میلیارد دلار برای هزینه های نظامی منظور شده که با هزینه های غیر مستقیم نظامی به ده میلیارد دلار میرسد یعنی ۳۶ درصد مبلغ کل هزینه بودجه کشور به هزینه های نظامی تخصیص داده شده است.

در مرداد ماه سال جاری هنگام مسافرت هنری کیسینجر وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا به ایران اعلام شد که ایران تا سال ۱۹۸۰ بمیزان ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار مدرن ترین اسلحه زمینی و هوائی و دریائی از امریکا خواهد خرید و بطوریکه مجله «اکنونیست» لندن می نویسد ایران تا سال ۱۹۸۰ بطور کلی ۲۲ میلیارد دلار اسلحه خواهد خرید. اخیراً ایران تعداد کفپرسی هواپیمای جت بمب افکن اف - ۴ و جت جنگنده اف - ۵ و اف - ۱۴، دستگاههای موشک «هوک» و رزم نانو از نوع «اسروان» چند فروند زیر دریائی «یاغی» فروند هلیکوپتر «بمبهای لازر» و بمبهای هدایت شونده خریداری کرده و برای خرید هواپیمای جنگی اف - ۱۵ و اف - ۱۶ و فشار بر زندانیان سیاسی...

شارهای روحی و جسمی توان فرسا با مبارزه و مقاومت و چه بسا به بهای جان خود این توطئه جنایتکارانه دژخیمان شاه را عقیم گذارند. بدون تردید این مبارزه و مقاومت که با فداکاریها و قربانیتهای فراوان همراه بوده جز آینده نیز ادامه خواهد یافت. زنان و مردانی که برای آزادی ایران عزیز ما از چنگال خونین رژیم دیکتاتوری شاه، آزادی خود را از دست داده اند و آماده جانبازی هستند، نخواهند گذاشت که زندانیان دژخیم آنها را بزانود در آورند. برخورداری آنها از احترام و ستایش مردم ایران از همبستگی تشدید فشار رژیم بر زندانیان سیاسی از یکسو و مبارزه و مقاومت زندانیان سیاسی در برابر این فشار روز افزون از سوی دیگر «بر اهمیت و حساسیت و وظیفه ای که در دفاع از زندانیان سیاسی بر دوش همه میهن پرستان و مبارزان خارج از زندان است» میافزاید. میباید مبارزه برای دفع از زندانیان سیاسی را - هم برای ایجاد محیط قابل تحمل در زندان و هم برای آزادی آنان - تشدید کرد تا بتوان با تشدید فشار رژیم بر زندانیان

فرار سرمایه و ثروت از ایران

دارند، هرج و مرج اقتصادی و فساد دستگاههای دولتی فقدان نیروی کار ماهر و کارشناسان فنی که به علت سیاست نظامیگری دولت به سست گوناگون ارتشی و امنیتی، کشاندند میشوند، سرمایه هایی را که از بهره کشی بی بند و بار زحمتکشان بدست آورده اند از کشور خارج و بجایمانی که از نظر آنها امن و بیخطر سود آور است منتقل میکنند.

دوم - آنها که از امارتگری، دزدی و چپاول از خزانه دولت و از جیب مردم پولهای کلانی بدست آورده اند و برای دور کردن آنها از هرگونه خطری میلیونها ثروت کشور را ببلنگهای اروپا و امریکاسرازیب میکنند تا بمحض احساس خطر فرار را برقرار ترجیح داده و بدنبال اموال غاربی بروند. سران ارتش و دستگاههای دولتی، مقامه کاران و مختلسان درجه این گروهند. یک پای آنها در ایران برای ادامه دزدی و امارتگری و پای دیگرشان در خارج برای عیاشی و استفاده از پولهای فراری است.

سوم - لایه هایی از خردپورروزی مرفه که بیشتر شامل کارمندان متوسط و روشنفکرانی میشود که دارای خانه و مستعلاتی شده اند یا آنکه پولی جمع و جور کرده اند و چون اهل مبارزه علیه رژیم نیستند می خواهند از محیط خفقان آور ایران که در آن هیچگونه آزادی وجود ندارد و انسانها دارای شخصیت و حقوقی نیستند فرار کنند و از شر شاه و دستگاه آدمخوار ساواک بشکوه ای از جهان پناه ببرند و از دست میهنی که در آن خواب راحت و آسایش ندارند آسوده شوند. چهارم - شاه و خاندان پهلوی و اطرافیان که پولهای بیحسابی از خزانه دولت، از مؤسسات گوناگون سود آور کشاورزی و صنایع و بانکها، از رشوه های کلان هنگام بستن قرار داد های گوناگون اقتصادی، از قرار داد های خرید اسلحه، از معاملات نفت، از راه قاچاق هرئوین و مواد مخدره و از بسیاری راههای دیگر، میلیونها و میلیونها تومان بدست می آورند و بصورت ارزهای خارجی دروزر گزین بانکهای جهان سرمایه داری میکنند. انگیزه دیگر انباشتن این پولها در خارج از کشور نیز بی اقتصادی به آینده است. شاه و اطرافیان که از هر کس بکنه اقدامات ضد ملی خویش آگاه ترند از مردم میترسند، بآنها اعتماد ندارند و در همانسال که با زور سر نیزه و شکنجه گاههای ساواک بر اریکه قدرت تکیه زده اند حساب روزمباردا را که دیر یازود خواهد رسید میکنند. اگر مجموع این پولها را که چون سینی از کشور بخارج روان است حساب کنیم، آنوقت این واقعیت بروشنی نمایان میشود که پولهای فراری از ایران خیلی بیش از دو میلیارد دلاری است که در آفتاب درویدی هائوس گو، در مجله اکونومیست لندن آورده است. اما این نکته را باید گفت که نوسند (اکونومیست) نخواستار علل واقعی فرار سرمایه ها را بیان کند. او تا جوانمردانه در درجه اول گناه را بگرم زحمتکشان ایران انداخته و میگوید بالا رفتن مزد ها یعنی کم شدن مقدار بهره کشی که گویا، مورد حمایت دولت است و ۱ و عجز سازمان ساواک از جلوگیری از جنبش کارگران عامل اصلی فرار سرمایه است (او حتی بی اقتصادی صاحبان سرمایه را نسبت به رژیم به حس آنها از تبدیل رژیم ایران بیک رژیم گویا ضد سرمایه داری تعبیر میکند! این آقای نویسنده که از مندرجات مقاله اش پیداست که با وضع عمومی ایران آشناست خود را در این مورد چنان بنادانی و سفاهت زده که گویا از کشتار بیرحمانه کارگران و زندانی کردن صدها تن از آنها در جریان مبارزات اقتصادی و حق طلبانه آنان چیزی بگوشش نغزیده و از جنایتکارانه ساواک که نه تنها در ایران بلکه در مقیاس جهانی گوی سبقت را از سازمانهای نظیر خود در آتشکشی و جنایتکاری ربوده، بیخبر است. در اینکه اوضاع اقتصادی ایران آشفته است تردید نیست زیرا ایران جزء بازاری است که دزدان خارجی و داخلی ثروت های طبیعی و درآمد ملی آنها را راههای گوناگون غارت و از نیروی کار زحمتکشانش به کمترین بها حداکثر بهره کشی را میکنند. تمام این وضع محض حکومت ضد ملی و ضد دمکراتیک محمدرضا شاه است که در دستگاههای دولتی بجز قانون جنگل و فرمانهای دیکتاتور فاشیست چیزی حکمفرما نیست. باین دلیل است که سرنگونی این رژیم از راه جبهه ضد دیکتاتوری مقدم ترین شرط تغییر وضع نا بسامان ایران است.

کارگران نه مجنون میشوند نه مغرور

شاه هنگامی از پیوند کارگر و کارفرمه دم میزند، که دژخیمان ساواک و شهرتانی و ژان کارخانه ها و کارگاههایی را که کارگران دست یافتن به حداقل حقوق خود به اعتراض و اعتصاب می پردازند، در محاصره میگیرند. از کارخانه اخراج میکنند، به بازداشت تبعیدگاهها میفرستند، با باتون و تفنگ شکنج و مجروح میکنند، حتی به گلوله می بندند شاه و جبار چپانش زمانی از بر افتادن اجتماعی و بر پا شدن عدالت اجتماعی میترسد که زندگی زحمتکشان روز بروز مشرف و شکاف میان فقر و ثروت صدمه وسیعتر میزند. مستخدم ناچیز، کمیابی و نایابی کالاها، افزایش سریع هزینه زندگی، کمبود و گرانی، فقدان وسایل بهداشت و آموزش و محرومیت بیمه های اجتماعی و ایمنی کار، اجرا نشدن طرح ناقص طبقه بندی مشاغل، اخراج خود عقب افتادن مستخدم ها، تمییز میان کارگران داخلی و خارجی، رفتار خشونت آمیز و تحقیر کارفرمایان و کارگزاران آنها - همگی عواملی که دشوار ترین شرایط کار و زندگی را به کارگران تحمیل میکنند. غارت ثروت ملی ایران انحصاراً امپریالیستی و صرف هزینه های سر و نظمی که رژیم کنونی عمل آن است، بر د زندگی زحمتکشان بمراتب می افزاید. همراه با تشدید دشواریهای زندگی و بالا سطح آگاهی کارگران، دامنه مبارزه آذ وسیعتر و شیوه ها و اشکال مبارزه شان متن میگردد. واقعیت های زندگی نشان میدهد عوامرئیس های رژیم در باره سهیم کردن کارگر سود و مالکیت واحد های صنعتی و تبلیغات بی در پاره بیشتر فرهنگ و بهداشت و تمییز بیما اجتماعی و دعای یوج در باره بر افتادن طبقه تضاد های طبقاتی و وعده های تو خالی در «تمن بزرگ» و نه توسل به ترمور و اختناق، ز و شکنجه، کشتار و سر به نیست کردن - تقو و نخواهد توانست زحمتکشان را از مبارزه در راه حقوق خود دست یافتن به آرمانهای خویش بازدارد. مبارزه کارگران و سایر زحمتکشان آوج و توان، میباید و آرامش این د جزیره فبات، را رژیم امواج خود بیش از پیش بر هم میزند.

حزب توده ایران مبارزه میکنند

(اظهار نظر روزنامه آلمان غربی) روزنامه «فرانکفورتر اونند شائو» منتشره در آلمان غربی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۶ تحت عنوان «شکار مخالفان شاه» بقلم ولفگانگ شرک کلاوستر مقاله ای در باره فعالیت ایوزیسیون ضد رژیم نشر داده و از آنجمله به فعالیت حزب توده ایران اشاره کرده می نویسد:

«مارکسیستهای ایرانی بصورت حوزها متشکلند و برای حفظ امنیت حوزها، آنها مستقل از یکدیگر فعالیت میکنند. حزب کمونیست (توده) علی رهم محتوایت خود در خارج و داخل کشور بصورت مخفی فعالیت خود ادامه میدهد و بسیاری از هواداران این حزب از زمره دانشجویانند، صرف نظر از اینکه این روزنامه در توضیح فعالیت و نوع این نیروها، روشها و سیاست همه را یکسان میگیرد و اختلاف نیروها و اسلوب عمل آنها را نمی بیند، اعتراف این روزنامه به فعالیت متشکل حزب توده ایران در داخل کشور و هدف این مبارزه بهر صورت می تواند برای خوانندگان «مردم» جالب باشد.

دوست گرمی بیکار
مبلغ ۸۰۰ مارک غربی توسط رفیق ۲۵۴ رسید.
صمیمانه سپاسگزاریم.

چنین سیاستی تنها می تواند محصول مغزی میوب و وجودی سرا یا خیانت و تبه کاری نسبت به مردم ایران باشد. در اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران (مردم شماره ۱۶۳ اول شهریور ۱۳۵۵) تأکید شده است: «سیاست ماجراجویانه شاه مسیر تصاعد دائمی خود را طی میکند و ادامه این سیاست تنها می تواند بیک قاعده بیانجامد، زیرا خود خواهی شاه و خانواده پهلوی چنانست که ابائی ندارند نه تنها میهن مابلک سراسر منطقه را به تل خاکستری بدل کنند.

سیاسی مقابله نمود، بویژه میباید این مبارزات را متحد ساخت تا بتوان بر تمر بخشی آن افزود. این واقعیت دیگر بر هر عقل سلیمی روشن است که ساواک هر میهن پرست مبارزی را «اعم از توده ای و غیر توده ای» مارکسیست و غیر مارکسیست، نه فقط به جرم، «مشترک» مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه به زندان می اندازد، بلکه آنها را در زندان هم در کشتار هم قرار میدهد. چه دلیلی قاطع تر و چه انگیزه های موجه تر از این که این قربانیان مشترک نیز به مبارزه متحد برآمدند دژخیمان و زندانیان دست زنده؟ حزب ما که با احساس مسئولیت در برابر مردم ایران، همه میهن پرستان مبارز، همه مخالفان رژیم دیکتاتوری شاه را، صرف نظر از عقاید سیاسی و اجتماعی و مذهبی، به مبارزه متحد در یک جبهه ضد دیکتاتوری دعوت کرده است، امید وار است که مبارزه متحد همه این نیروها در دفاع از زندانیان سیاسی گامی جدی برای تیل به این هدف باشد. م. انوشه.